

دشمنخانه حضرت نیز وسعت داده اند و از آنچه زوار و عابرین و متوقفین در میانخانه بشیر که زیاده از حدش گفته  
 و دعاگوی دوام عس و دولت سرکار علی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی میباشند  
 قروین از قراریکه نوشته اند در شهر محرم الحرام بازاری که در جنب سدی حاجی رضا است آتش گرفته  
 قریب پستاب دکان عطاری بجائی و عنبر سوخته است و تخمیناً هفت بهشت هزار تومان بصاحبان آن ضرر  
 رسیده است و لی معلوم نشد است که از کجا آتش بدکانها افتاده احتمالی که داده اند آتش که از حریق کرمها  
 تحت دکانی سوخته بسیار دکانین سرایت نموده است

میزان نوشته اند که شخصی در لباس زنانه با چادر در بازار گفتر از صرافی جوایای اشرفی شده است که اشرفی  
 زیاد میخوایم از صدا و حرکات او پاره اشخاص فهمیده بودند که آن شخص مرد است و چادر زنانه بر سر کرده  
 در عقب او رفته بودند تا در ب مسجد خرابه فلان ایشان یقین پیوسته و بعد از از دیدن مردی داشته دیده اند و در پیش  
 او دادند و او را نزد صاحب ایوان بردند عرض کرده است اهل اصفهانم و از دست زخم فشار کرده میشود  
 میروم چون در اینو لا یتجی مرا اینا پسند باین لباس تن شده ام که پنهان باشم چون کذب قولش ظاهر  
 بود در انگاه دانستند که معلوم شود خیالش از آن خفید چه بوده است

۲۹۵۲

و همچنین نوشته اند که تاجری قدری شتران داشته و در سرآب انبار ابوالمخردم خوابیده بوده است  
 یک نفر طبسی و چهار نفر ترک آنجا رسیده خوچین او را بریده سید و ششت تومان یال از او بردند شخص  
 طبسی پولها را برداشته از چهار نفر رفیق خود سینه میکیزد و آن چهار نفر بزرعه چاه ریک رفته یکی از  
 مستحظین عهد آنها را معیر الحال دیده فهمیده بود که در دزدخواست بود آنها را دستگیر نماید چون شهاب  
 نمیتوانست در پنهن شکی نه کند که از عقب سارقین رفته بود میرسد آن چهار نفر اگر چه مطالبه  
 وجه کرده بیا میدصدق کیفیت را میگویند که شخواه را شخص طبسی برده است بچا پاری بتعاقب او رفته  
 در چاهار خانه ناین طبسی را هم میگیرند و شخواه را استرداد نموده بصاحبش میبرسانند

استرآباد بقره یک در روزنامه آنجا نوشته اند طوایف بیوت از آقابای و جعفرمای اراده خدمتگذاری  
 دارند و این آنها کلاً با استرآباد آمده اند و با میرزا محمد پیشکار قرار خدمت کرده و آدینه خان آقابای  
 که رئیس کل آلفیغه است از ایامی که پدرش در استرآباد کشته بودند تا بحال با سنجبانیان آمده بود اینروزها  
 آده در امیدوار ساخته میثوب جبهه کرده گمانی از خلع مرعشی دیوانی نبش را لیه دادند و در کمال خرسندگی  
 معاودت نموده مشغول خدمتگذاری شد

و نیز نوشته اند در هفتم شهر صفر دو ساعت از ظهر گذشته بر حسب تقییرات الهی چندان طغ آمد که نزدیک بود  
 شعاع آفتاب پنهان شود و تقریب چهار ساعت از اول آهن طغ تا که نشستن از فضای شمر طول کشید و در  
 تفصیلات خداوندی هیچ جاضر زسانیده یکسر سمیت صحرائی ترکمان نشین رفته از اتفاقات بخت ترکان  
 در میان آب کرکان برهنه بوده و خود را می شسته است طغ بسیاری هم بالای او بخت از وحشت و اضطراب  
 که بر او مستولی شده بود فرصت اینکه از آب برآید نگذرد در میان آب مرده است ( در پانزدهم شهر  
 مزبور چند نفر از سادات و علماء با اتفاق ملک علی صغره تفکیکی بسراهی او بقدر سک میرفته اند در صحرا  
 مشهور بقدر و بیغ سوار ترکان بر خورده جنگ کرده و نیزه سر از آنها گرفته باقی فرار کردند مشا را لیه  
 علماء و سادات را بمیرل رسانیده سر را با بستریا داد آورد میرزا محمد پشنگار او را انعام داده  
 سر را بسراهی خودش و آنه نزد شاه برده ملک آرا نموده است

### خبر اردول خارجی

در جریده الحوادث اسلامبول از روزنامه مصر نقل کرده اند که در خرطوم نام بدو شخص سیاه پوین سفیدی بسین  
 چهارده پانزده سال داشته است در لطن واحد چهار او لاد از آن زن متولد میشد که هر چهار زکود بود و از آن  
 عجایب و غرایب اینکه دو تا از این چهار مولود سفید بود و باقی سیاه و هر چهار تا روزی که روزنامه را  
 نوشته اند حیات هشت روز زنده بوده اند بعد از آن احدی پیدا شد که مرده اند حیات دارند ( و نیز در جریده الحوادث  
 نوشته اند در شب چهاردهم ماه محرم که ماه گرفتگی شده بود در رزقه القوم از دکانی آتش بزرگ کرده آن دکان بود  
 و سرایت با طراف کرده چون باد شد در آن شب می آمده است فامور بین اهل ولایت نتوانستند که باسانی  
 و سهولت آتش را خاموش کنند سیصد باب دکان چهار باب کاروانسرا و بار از زر که باک تازه ساخته بودند  
 بکلی سوخته و خسارت کلی بصاحبانش رسیده است و نیز در آن شب زلزله شدیدی در اول شب واقع شده بصله  
 یک ساعت باز دو دفعه زلزله میشد خیلی از دیوارها و بنیه خرابی بهم میرساند لکن آدم تلف نشد چون اهل  
 ارزقه القوم را از زلزله سابق و این بسیار غلبه کرده و خیلی متضرر گشته اند و چشمشان ترسیده است  
 بوخت دوا هم زیاد ادا دادند [ و نیز نوشته اند از کشتیهای دولت فرانسه که فرنگی در اسکله اسلامبول  
 بوده است و قیاس بنای حرکت میگذارد همینکه بعد یک میل مسافت از اسکله دور میشود یکهای بزرگ کشتی خود بخود  
 میترکند و سقف کشتی را بهوامی اندازند و در مدت ربع ساعت کشتی مزبور غرق میشود از کشتیها که در آن رود  
 بودند بعد از ملاحظه این کیفیت زور قها با بنجا میفرستند آنچه از اهل کشتی از عسکر و غیره بر روی تخت پاره بودند

بزرگ آورده و بساحل نجات میرساند ( در روزنامه های فرانسه نوشته اند چون در جنگ و محاربه دول ثلث  
در بعضی جا غلبه بر مرد و از آب لای بود کاهی از پنجاه سیکه بالای آب ساخته بودند از قشره نیان آب می افتاد  
در بعضی از پنجاه سبب از دحام پاره اشخاص از بالای پل آب افتاده و در آب غرق و تلف میگردیدند  
امیراطور فرانسه امر دیکم نموده اند که کل قشون فرانسه شاکردن امش نمایند و تعلیم بگیرند که در حین و قیما  
توانند خود را از آب و غرق کشتن خلاص نموده باشند

در روزنامه های انگلیس نوشته اند نظر باینکه در چسب از منزه و آنکه هر کس در حین گرفتاری در فکر استخلاص جان مال  
خود باشد و از ارتکاب دروغ و خلاف خودداری ننماید در مقدمه فساد و احتمال سابقه زایل نموده و نشان  
نده صاحب نام شخصی که رئیس طایفه از یاغیان و طایغیان بوده است در آن وقت با عسکریه دولت انگلیس جنگ  
و جدال می نمود و آخر الامر کشت خورده و قشونش متفرق گردید خود شش در آن اوقات بچک عسکریه انگلیس  
نیامده بود و همواره از جانی بجائی سزاری میسوزید دست آوردن این شخص نامول و خوا  
صاحب منصبان انگلیس بوده و از طرف نامورین دولت انگلیس که در طرف هندوستان مستند

اعلان و اخبار نموده بودند که هر کس این نه صاحب را دستگیر نموده نزد آنها بیاورد معادل  
پست هزار تومان در حق او انعام و اکرام نمایند در آن اوقات شخص صراف از بمبئی حرکت نمود  
عزم صفیات لاجور کشمیر را داشته است در پهن راه بچند نفر از قطع الطريق دچار میشود و شخص را  
دستگیر نمایند این شخص صراف بجهت استخلاص خود تسیری کرده میگوید که من نه صاحب هستم  
مرا پیش حاکم بنبیره هر چه از من گرفته اند بر شما حلال باشد و باز هم هر چه خواستید بجان و دل شما بیاورم  
در زمان اطلاع غلبه نموده پیش خود فکر میکنند و میگویند که ما آنچه این مرد داشته است از او گرفته ایم بهتر  
است که او را نزد حاکم برده و پست هزار تومان بنیز از حاکم انعام بگیریم شخص مزبور را بخط مستقیم  
پیش حاکم آورده و استدعای انعام موعود می نمایند شخص صراف پس از آنکه نزد حاکم میرسد حقیقت  
احوال را سپان میکند بعد از آنکه صدق قول آن شخص معلوم و مشخص میگردد حاکم اموال و اوضاع  
او را از زندان گرفته بخودش برده بنماید و او را مرخص نموده در دارا گرفته مجوس میکند تا پاداش  
اعمال خود برسد ( و نیز در روزنامه نوشته اند طوسون پاشا پسر سعید پاشا والی مصر سه دفعه بجهت  
سیاحت و تحصیل معرفت پیش از این بلندن رفته بوده است این اوقات باز بعزم سیاحت و نیت اقامت  
تا بهار بلندن رفته و این نوبت چهارمی سیاحتش خواهد بود

۲۹۵۲

روزنامه و قیام اتفاقیه بیایخ یوم پشیمانی پنجم شهریور سال اول مطبوعاتی قومی



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

اردو میسیون

در ایام تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب تالیون در تشریف نطق با اینکه از کرانی و تشریفات آنجا بگذشتند  
 مبارک رسید مقدار کثیر از خود را کردند بوزن هزار مثقال با ایغام در وجه نعتی از آنها مرحمت فرمودند  
 امر و مقرر فرمودند که عنبر زخان سردار کل و پیشکار و رئیس کل آذربایجان محل و نقل شهرت نیز فرموده  
 حق فقر اعاید سازد و نیز مراتب ششگی در پیشانی که در این چند سال بواسطه کرانی با اهل آذربایجان  
 حاصل شده بود برای جهان آرای همایون مشهور معلوم گشته بقدر میت و نه هزار تومان که از بقایای  
 در محل در نزد رعایا باقی بود بتخفیف مرحمت دادند و اگر فرمودند و همچنین مبلغی هم نقد و جنس از آن  
 بتخفیف مرحمت فرموده و نیز آنجا مطلع همایون شرفصدور یافته تخفیف هر ولایتی را اولیای دولت  
 معلوم نموده فرمان مبارک را برده بجمع انالی ولایت خاطر نشان نمودند که موجب احکامی و امیدوار  
 عموم انالی آنمکت کردید (نظر بانکه سردار کل در اوقات تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب تالیون  
 آذربایجان بچاسن قدم سگذاری و کفایت خود را در پیشگاه حضور مظهر همایون شاهنشاهی ظاهر ساخته  
 بود مورد توجهات خاطر خورشید مظهر همایون شریاری آمده در اوقات توقف مراغه بکفایت شمشیر  
 در حق سعزی همی مرحمت فرمودند) (و همچنین نظر بر ائمه سگذاری و استقام که در ایام تشریف فرمائی  
 موکب فیروز نصیحت آذربایجان از میرزا احمد خان سر قیام اول توجهات مبارک که در خاکبای همایون  
 شاهنشاهی مشهور و معلوم گردیده بود خاطر خیر اقدس همایون از حسن خدمات مشایخ و ائمه

۲۹۵۵

کامل حاصل آمده و را بقلب ساعد الملکی سرفراز فرموده یکثوب جبّه تره کرمانی اعلی برسم خلعت عنایت  
 و مرحمت فرمودند ( و نظر بحسب خدمتگذاری و صلوات میرزا نصر الله لنگر نویس و مراقبات کافی  
 که در محاسبات رسیدگی امور قشون منصور آذربایجان ظاهر ساخته است بمنصب لنگر نویس شهبازی  
 آذربایجان سرفراز کشته با عطا خلعت شانه قرین افشار و هتیا ز کردید ) ( چون میرزا عبدالوهابخان  
 شیرازی منشی خاصه وزارت امور خارجه محاسن کفایت در انجام دیوان اعلی از وقت ناموریت بیوان  
 وزارت امور خارجه با فیروما ظاهر ساخته مستوجب شمول مکارم ملوکانه آمد لهذا بر حسب فرمان قضا  
 جریان هایون بمنصب خیل نیابت وزارت امور خارجه سرفراز و با عطا خلعت عنایت آیت مفتخر و  
 و قرین هتیا ز کشت ) ( و در روز دوم ماه ربیع الاول موکب فیروز می کوکب هایون از مرافعه حرکت  
 فرموده و لا منظور نظر خورشید اثر هایون شهبازی آن بود که از راه تحت سلیمان و صابین مشبه شریف  
 فرما کشته از آن طرف متوجه دارالخلافه الباهر شدند و چون موکب هایون اعلی بمنزل لیلان نزل  
 اجلال فرمودند معروض خاکپای همایون گردید که در این اوقات هم هوای شمس سلیمان یاد سرد شد  
 و علاوه بر آن آه مزبور در سکنه خ و نامومار است و بجهت بردن کالسکه و توب کار بعبادت خواهر  
 انجامید لهذا رای مرضیای هایون اقتضا فرموده از راه هتیا ز کردید که بخوبی هوا و مسواری قضا و نزدیکی  
 مسافت موصوف بود حرکت فرمودند و در عرض راه بجهت برود وجود مسعود هایون و عسوم شرفین  
 رکاب حضرت مقرون بحال خوشی آسایش گذشت ) ( و چون چراغ اعلی خان سپهسالار الملک حاکم  
 غنم در معاودت موکب نصرت آفتاب هایون از راه با آنکه بچرخید لازمه جد و جهد در لوازم خدمتگذار  
 بعمل آورده و محاسن کفایت و جان نشاری او در پیشگاه حضور هر طور شاهنشاهی مشهود گردید او را  
 با عطا می یکثوب کلچه از طبوس بدن مبارک قرین سرفراز می فرمودند ) ( و بچشمین نظر بر است  
 کفایت و خدمتگذاری شاهزاده عبدالقصد میرزا حاکم قرین و حاجی حسنخان پشگارا آنجا که در نظم و سنق  
 امورات خدمات یوانی و ولایتی آنجا بطور رسنه بود و ذورای حد اقتضای هایون از غنم  
 حاصل آمده در تشریف فرمائی موکب فیروز بقرین سوازی یکثوب قبای ژری طاس نظامی از طوس  
 خاصه بدن مبارک در حق شاهزاده عبدالقصد میرزا و یکثوب جبّه تره کرمانی اعلی در حق حاجی حسنخان  
 خلعت مرحمت شد و روز چهارشنبه پست و یکم در منزل کن نزل اجلال فرمودند سایر ولایات  
 اصفهان از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته از امور آنولایت از فرط کفایت حسن ایالت شاهزاده  
 احتشام الدوله حکمران اصفهان در نهایت اشظام و نهایت است رعایا و بر ایاد در عهد امن و امان

۲۹۵۶

مشغول عاکونی دوام دولت جاوید توان چاشند و شاهزاده مغزی ایسه در نظم و نسق امور ولایتی  
 و وصول ایضاً ایالت و انجمن مال یوانی نهایت اهتمام نمود و بنیاد (چون بواسطه عدم مراقبت مواظبت  
 مباشرین سابق بعضی از عمارات یوانی دار السلطنه اصفهان خرابی زیاد بهم رسانده بود و در شواهدیکه  
 بجهت تعمیر آنها از دیوان قدر نشان مرحمت میشد بعضی از مباشرین حیف و میل نمودند شاهزاده اهتمام  
 الدوله قدغن اکید نموده مذکور عمارات دیوانی انجمن را در کمال انضباط و استحکام تعمیر نمایند و  
 توپخانه و سبزان متوقف در سلطه اصفهان حسب حکم شاهزاده مغزی ایسه هر سه روزه در میدان نقش  
 جهان مشغول مش نظام چاشند و بهر چه تعافل ندارند) (باشبانی طفلی عنبر نیز را اجیر کنید که منع کجک  
 و سایر از خوردن میوه جات نماید نطفل با فلاح سنگ بر فک کجک می انداخته اتفاقاً سگی بر سر  
 باغبان بر خورده فوت میشود بعد از آنکه طفل مذکور را جس می نمایند و غوررسی میکنند چون مقصود بوده  
 و قضای الهی بوده است و امر حسن میباشد

استرآباد از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند شاهزاده ملک آرا که نامور حکومت ایالت  
 مازندران استرآباد بود چند روزی در ساری توقف نموده بعد از استقرار کار و نظم و نسق تمام دیوان  
 مازندران بعزم سپهرستی امالی استرآباد و اشرف امور لشکر حرکت نموده روز نهم شهریور الاول  
 استرآباد گردیده اند) (میرزا محمد پیشکار با جمعی از اعیان و اشراف لایت لوازم استقبال و تهنیت  
 معمول داشته شاهزاده مغزی ایسه نیز در حق هر یک بفرآخور احوال کمال ملاحظت و مهربانی مبذول  
 داشته اند) (خواتین در رؤسای سفیدان طوایف بیوت ماساری بعزم خدمتگذاری رفته و  
 شاهزاده ملک آرا آنها را انعام و نصحت داده معاودت نمودند و در روز ورت شاهزاده با استرآباد  
 نیز تمامی ایل بیوت که در کرکان و کنار قراسو چاشند شده و دست و جود جوده با استقبال می آمده و آورد  
 استرآباد همه جانجه مت شاهزاده رسید با انواع الثقات و مهربانی منقح میگردد) (و شاهزاده مغزی  
 ایسه ملک بحیل را نامور نمودند که رفته تمامی خواتین در سفیدان طوایف بیوت انجمنگذاری اعلام  
 نماید و ابلاغ دارد که اسرار اموالی که سابقاً برده اند آورده رد نمایند) (و همچنین آقا علی اکبر کلاستر  
 نامور نموده اند که رفته ایل حستقلی نشین و کوش تبسته و چرکن و اوخ و غیره را مطنس ساخته با استرآباد پیاده  
 که قتل خدمتگذاری خود را بدینند) (شاهزاده ملک آرا بعد از ورود با استرآباد جمیع نوکر پیاده و  
 و سواره انجمن را اعلام و حسن رنموده و هر روز با کمال دقت دسته بدسته سان می پسند و بعداً  
 بصریح جیره و موجب آنها را معلوم نموده در وجه احاد و اسرار نوکر نقد کار سازی می نمایند و غیره

۲۹۵۷

ولایت استرآباد را کلاً آباد کرد و در همه جا نوکر گذارد و از سرکردگان الترام گرفتند که هر یک  
 از نامورین سکرکامها یک ساعت بر سر خدمت نباشد مورد مواخذه باشند (میرزا محمد وزیر  
 بهروزه از طلوع آفتاب تا غروب در دفترخانه معینه مشغول رسیدگی معاملات و محاسبات  
 و سایر خدمات باشد و بهیچ وجه از لوازم خدمتگذاری تغافل و خودداری ننماید  
 فارس از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند شاهزاده حسام السلطنه در رتق و فوق مقام  
 مملکت نظم و نسق امورات خدمات دیوان قدرآیت بهیچ وجه خودداری نراند و همه وزه با کمال مراقبت  
 بر اعیان مردم رسیدگی نموده مالی آنرا از فقر کفایت ایشان نهایت اہمیت و آسایش حاصل است  
 فوج قراقرغی که حسب الامر بشیر از میرفته اند در مشهد مرغاب بر بالای سکنی سلطانی از فوج فرورد  
 شکاری رامی پسند و بتقاب آنکارا سب می تازد در پشت تپه بر سر چند نفر در از ایل بهار لوسیر  
 که قاصد را در دو ساعت قبل زده امواتش را آورده بودند نوشته قسمت نموده اند و از آنکه چشم برآ  
 می افتد فوراً او را به تیر می زنند بعد از آن فوج خبردار شد با سارقین سازعه جنابیند و بہشت نفر از  
 آنها را دستگیر نموده بشیر از فرستاده بحضور شاهزاده حسام السلطنه سپرد و حسب الحکم شاهزاده بہتر  
 الیہ در میدان بجزای خود میرسانند) (در خصوص ستمزایت و وظایف ارباب استحقاق چون  
 در این سنوات بواسطه آنکہ بعضی از مباحثین با زہ اشتباه کاری نموده چیف و میل کرده بودند  
 و ارباب طایف قدری شاک و ناراضی بوده اند لهذا شاهزاده حسام السلطنه قدس اعلیٰ کید نموده  
 کہ رفع اشتباه کاریہا را نموده شخواہ ہر یک از ارباب طایف را در محضر چند نفر از اہل و عیال  
 تام و کمال کار سازی داشتہ قبض دریافت نمایند کہ بطیب خاطر مشغول دعای دوام دولت  
 ابد نام اثر بوده باشند) (فوج قشغالی کہ متوقف شیراز باشند در نهایت آسایشی ہستند و در ششم  
 شہریع الاول شاهزادہ حسام السلطنہ آنها را احضار نموده نسبت بصاحب منصبان آنها کمال التفات  
 و مہربانی نموده حاد و فساد فوج از سان گذشتہ قرار دادند کہ فساد ای آزد و شخواہ بموجب  
 آنها را تام و کمال در حضور خود شاهزادہ کار سازی نمایند

۲۹۵۸

کرمان از قراریکه از آنجا نوشته بودند از حسن مراقبت اہتمامات محمد اسمعیل خان وزیر بجا  
 کمال نظم و آسایش برای عامہ رعیت حاصل است و یکی از حسن سلوک معززی الیہ کمال  
 رضا مندی ارند و معززی الیہ نیز در انجام خدمات دیوان اہمیت ولایت و  
 اسوہ کی رعیت نهایت مراقبت و اہتمام را دارد

کرمانشاهان از قراریکه در روزنامه کرمانشاه نوشته بودندش هزاره عا داد الله و له حکم ان کما  
 قرار داده اند که دو دسته سرباز از فوج کوران قتلعه زنجیری جمعی علمیرادخان سرهنگ و دو دسته از سوا  
 جمعی حسین خان سرکرده ولدان مرحوم اسدالله خان سرتهپ در قصر شیرین متوقف و مراقب باشند که قویل  
 و زواریکه از دولت علیه بدولت عثمانیه عبور و مرور مینمایند در ایاب و ذاب آنها موانعت تمام بعمل آورند  
 و ایش ترا آسوده خاطر از سرحد بگذرانند و مشارالیه با سرباز و سوار جمعی خود کمال مراقبت را دارند و قویل  
 و زوار با نهایت آسایش و آرامش عبور و مرور مینمایند (و همچنین پناه نهار نواره نمانگی جمعی آقا سید  
 احمد راموکل نموده اند که در پستون سرب حاجی آباد متوجه راه بوده عابرین و مترودین را محافظت نمایند که  
 در گذشته پیدسخ خسار بی از دزدان بآنها رسد) و چون در این اوقات او همان فی الجمله آسوده  
 بهم رسیده بود پناه نهار نواره نمانگی را نیز معین نموده روانه همان داشته اند که بر حسب قرار واد محتمل  
 الملک حاکم همان در صدد حفظ راه و موانعت عابرین برآیند و از این راه چسب عابرین و زوار در کمال  
 رضا مندی و دعا کونی میباشند

اخبار دول خارجه

۲۹۵۹

از قراریکه در روزنامه فرانسه نوشته اند بجهت ترقی فنون و صنایع و زیاد شدن بعضی اختراعات جدید  
 حضرت امپراطور فرانسه مبلغی معین کرده بودند که هر سالی به سال از خزانه دولت از جهت تشویق  
 و ترغیب محصلین علوم و صنایع میدادند این اوقات محض از جهت زیادتی مشوق آنها قرار داده اند  
 که همان مبلغ معین را دو سال بدو سال بدهند) و نیز نوشته اند که چون تحصیل علم از تجربه زیادتر  
 حاصل میشود مثل اینکه از علم تشریح فواید کثیره و منافع بسیار عاید گشته است معلوم است که امتحان تجربه  
 در هر کاری بیشتر خواهد بود و بسبب همین اینکه از آب و غذا که ام یک را مدخلیت بیشتر در حیات و سلامت  
 چندر اسباب را در جانی بسته و پاره از آنها را آب فقط داده و علف مذاب و بعضی را علف پشما  
 داده آب مذاب و برخی را اندکی آب و اندکی علف داده اند آنها سیکه قوتشان منحصر با آب  
 بوده است پست پنج روز دوام نموده اند و آنها سیکه کمی آب و کمی علف خورده اند هفت روز  
 مانده اند و آنها سیکه خوراکشان منحصر بعلف بوده است پنج روزه علف شده اند این تجربه معلوم  
 شده است که آب و مدخلیت در حیات حیوانی بیشتر از خوراک است

در روزنامه های فرنگستان نوشته اند که قاپیت اهل چین در هنر و معرفت از همه چه مسلم است اما



بجه عدم محالته نواست آنها با مالی فرنگستان از پارچه صنایع نفیسه و مخترقات جدیدی بهره  
 مانده اند در دو سال قبل بعد از وقوع مصاحبه ما بین دولت چین و دولت انگلیس از جانب دولت چین  
 بقدر مسافت کفریخ اسباب آلات راه آهنی با یک عتاده راه آهنی بجهت امپراطور چین دریه فرستاده  
 و از جانب جمهوریه امریکا با امپراطور مشا را لیه قدری اسباب تغراف فرستاده بودند از غایت خود  
 ذهن و فراست مالی چین بعضی دیدن آنها درک و فهم ساختن آنها را نموده و از روی همسان  
 نمونها تقلید کرده مثل آنها بنای کشید شدن تغراف و ساختن راه آهنی از بعضی ممالک چین بعضی دیگر  
 گزارده و در کار ساختن بهند ( و نیز در روزنامه های فرنگستان نوشته اند که در این دنیا سی  
 فایده چندین طایفه سلاطین آمده و فرستاده هر یک از اصناف طوایف است تمام درگیر صنایع  
 و ژنید معارف و هنر کرده و اسم اثری از خود در روزگار گذارده اند چنانچه در هر یک از تواریخ  
 ثبت و ضبط نموده اند و نوشته اند که اگر معارف و هنر پیشینان تقلید بردار نیست کارهای این زمانه  
 بطور ایام سابق رسیده است از جمله نوشته اند که این اوقات در ایالت مصر در بلده واسط  
 نام از قبرستان قدیمی که از دویست هزار سال قبل احداث گشته و مخصوص ملوک اسرائیل بوده است  
 قبری شکافته شده و بعد عده که در آن اوقات معمول بوده است که اسباب خاصه میت را  
 با او دفن میکردند از آن قبر پارچه اسباب غریب از قبیل کردن بند و کشتی و گوشواره  
 و بادزن و غیره که در غایت خوبی و نهایت غرابت صنعت درست کرده بودند بیرون آمده است  
 و در میان این اسباب شاید چهره از طلا بشکل زنبور ساشه بودند بغایت مجله و مصفا و صیقلی  
 و هر عضوی از اعضای زنبور را قبیل پر او دست و پا و غیره در کمال وضوح نمایان و آشکار  
 بوده است حتی چشم و مژگانش که محقق کرده بودند همه دیده و تماشا نموده اند و حیرت بخش ناظرین گشته  
 که جستج و احداث این نوع صنعت را چگونه کرده اند که با وجود دیدن آنها در قوه کسی نبوده است  
 که مثل آنها را تقلید آب زند

روزانه وقایع اتفاقیه پنجایوم پشیمانیست دوم شهریور سال اول مطابق قومی



موزه چهارصد و چهل و نه  
 قیمت روزانه  
 قیمت اعلامیه  
 منطبقه دار الحکومه طهران  
 نشر در طهران

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الحکومه طهران

در روز پنجشنبه بیست و دوم ماه که موکب کردون اشراف همایون بدر الحکومه ائلبا هره نزول اجلاس میفرمودند و فوج از افواج قاهره که متوقف در الحکومه ائلبا هره بودند کلاً استقبال نموده از خارج شهر تا میدان اسب دانی بطور تشییح بسیار آراسته و توجانه مبارک که نیز در سر افواج آماده بود پنجاه تیر توپخانه پادمانی در دو موکب معود شلیک کردند و آحاد و افسر و افواج منصوره تعظیمات نظامی بجا آورده هر یک از صاحب منصبان آحاد آنها مورد تملقات شامانه گردیدند و چون موکب فیروزی کوکب همایون در دروازه محمدیه تشریف فرمای شدند صبح الالی ولایت از عالی ادانی دو صنیع شریف و بومی و غریب از کبه و غیره با کمال شور و شغف از دروازه بیرون آمده مراسم جشن و شادمانی بجا آوردند و مراتب اشتیاق و جان فشانی را بتقدیم رسانیدند و قربانیا گشتند و هر صنفی از اصناف فراخور حال خود پیشکش و پا انداز و قشربانی و وجه تصدق همیا و آماده ساخته بودند و در حین عبور موکب همایون نثار خاکپای مبارک می نمودند بانهایت شوکت و جلال که جمعی از صاحبان مناصب عمده نظام و غیر نظام بالباسهای رسمی و ترفیع درجات مراتب خود در جلوس همایون بساده ملشرم رکاب مبارک بودند از دروازه مزبور عبور و در زانی سفر نموده از راه بازار تشریف فرمای ارک مبارک گردیدند و یکی مستقبین و مالی شهر در کوچه بازار و سر هر دو دیوار زبان بدعا کونی و شن طرازی

۲۹۶۱





و عسوم عالی دار الخلافه از نوکر و رعیت احسن سلوک مغزی الیه شاکر و دعا گوئی دوام دولت ابدت  
 بودند امیر کار و حسن بایون شاهنشاهی خدایتکه بعد از تشریف فرمائی بمقر سلطنت عظمی حکومت  
 دار الخلافه را که موقوفه مغزی الیه مرحمت شده بود دوام استقرار فرموده مغزی الیه را بالا استقلال  
 حاکم دار الخلافه لباسهره فرمودند و کتفعلشان مثال بایون کتل بالباس و میکوب قبای ترمه لیا  
 دور کلابتون کله طلا در حق ایشان مرحمت و عنایت کردید و بسیار چاکران متوقفین دار الخلافه که مصداق  
 خدمت بوده اند از قبل میرزا موسی وزیر و فضائل قای سرتپ اول تو بخانه مبارکه و حاجی سلیمان خان  
 پیشکار سرکارش هزاره فخم ناپست بلنه و میرزا غفار خان و میرزا مصطفی خان بایسان امور وزارت  
 خارجه و عیقلی خان نایب اجدانباشی و سایر چاکران که قریب چهل نفر میشدند از ناپان و صاحب  
 منصبان فرانشخانه مبارکه و عنیره که رحمت کشیده بودند از جانب سنی الجوانب بایون عظمی  
 قدر مرانبهم خلعت مرحمت گشته مورد الطاف شاهانند

با وجود اینکه امسال کوکب فیروزی کوکب بایون نیشگاه از سال گذشته در بعضی از مالک مشغول تفریح  
 و تنظیم بود و رساندن مثال دیوانی نعلت بعد مسافت از ولایات با رودی همایون کمال صعوبت  
 داشت حکام ولایات بدون اینکه تاخیری در موعده قطبشولایات را رسانده و فی الحقیقه  
 کمال خدمتگذاری را بعمل آوردند و موجب مرسوم مقررین کاب نصرت انتاب در بر زمین نقطه  
 که بودند بدون اینکه بکروز تعویق و تعطیل بشود تمام و کمال آبنها طایفه و اکنون که کوکب مسعود  
 بمقر سلطنت عظمی معاودت فرموده اند قطبهای مالک محروسه متواتر و متوالیا میرسد و هر روز  
 خوانه داران دیوانی مشغول دادن موجب و مرسوم افواج و طبقات دیگر هستند و عجب  
 برات بولین و این اوقات برتبه رسیدت که هر صبح زمانی از عهود سابقه باین درجه اعتبار

### سایر ولایات

کردستان از قراریکه نوشته بودیم که پاشا سردار اکرم و والی بغداد که بیست و نه سال بود  
 مایل ملاقات امان الله خان والی کردستان گردیده والی کردستان نیز بحسب خواهش مشا رالیه  
 بسرخدا ولایت رفته با مشا رالیه ملاقات نمودند و در شنید مابلی اتحاد و شریک مراسم و ادنیچین  
 دولتیین عیلتین بعضی قواعد مستحسنه قرار داده اند که موجب از یاد موالات بین الدولتین العیلتین  
 گردیده است و ان شاه تعالی من بعد موجب مزید رفاه و آسایش تبعی هر دو دولت خواهد بود

۲۹۶۲

# روزنامه و قیام اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور سال اول مطابق قیام قمری ۱۲۲۶



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

بمکاتبه تعالی بعد از تشریف فرمای سرکار محضرت اقدس بجا یون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه بقدر سلطنت  
 عظمی و تمکن بر سر ریخافت کبری از برکت و مینت قدوم مینت لزوم مبارک و فور نعمت و هسباب  
 رفاهیت از برجه و هر بابیت بجه عموم انالی دارالخلافه انبیا هرو حاصل است و سرکار اقدس  
 بجا یون بجه استقام مبانی معدلت و اشظام مهات دولت جاوید آیت بر ذات اقدس بجا یونی  
 لازم فسروده اند که غلبه ایام را بکلیت جهام سلطنت و معظمت امور است دولت که بر مصلحت  
 عظام معروض خاکپسای بجا یون اعلی می شود رسیدگی فرموده تشیت هر یک از مهات و شظیم هر یک  
 از ولایات دوره نزدیک را بروفق کمال صلح و نصفت احکام جهام قطع صادر میفرمایند  
 و چون سرکار اقدس بجا یون سشیذری را با قطع میل بوارسی و شکار مپاشد هغه بکروزی بوزیرم تفریح  
 و شکار سوار گردیده هر یک از شکارگاههای اطراف شهر تشریف فرمای شوند ( و نظر بانکه  
 ترقی متعلین مدرسه دارالفنون زیاده منظور نظر خورشید اثر بجا یون است بکروزی نیز بکشی آنها  
 مرحمت مبذول فرمودند و شاهزاده اعضاده سلطنته وزیر علوم مراتب تحصیل و پارتی بترقی هر یک از  
 متعلین را بجا کپسای مبارک معروض داشته بوجوب ظهور مراحم طوکانه فرید هسید واری جاهل نموده  
 و زرای عظام نامی دیوان نصفت نظام بجه روزه هر یک بر سر جا و معتم خود نشسته بچیس و کلی  
 امورات و خدمات مروجه بخود رسیدگی نموده هر یک از خدمات مقرر و مهات اتفاقیه را

۲۹۶۵

با عرض خاکی می بمایون از روی کمال عدالت صورت انجام و سمت تمام میدهند

و بر حسب امر قدردان بمایون همیشه در روز که روز نشنبه و سه شنبه باشد اشخاص مفصله امر او است و ارکان

مقتضای سلطنت و	نصرت الدوله حاکم	سلسله	مستوفی الملک	معهذ الدوله	ایین الدوله
	در خلافت و عراق				
	علوم				
	و علایر و نویسیان				

وزیر امور خارجه	پسدار	مشیر الدوله	ناصر الملک وزیر تجارت	و پیر الملک
-----------------	-------	-------------	-----------------------	-------------

دولت از چهار ساعت بفرود آمدن مذکور عالی عزوب آفتاب در مجلس شورای دولتی نوشته در معلمات امور

دولت و ملت گفتگو مشوره می نمایند و قرار آن مجلس هم این است که احدی عنبر از اشخاص مسطور در

انتخاب راه نخواهد داشت و بفرار از حرفهای دولت که باید گفتگو شود هیچ صحبتی نمیدارند و طرز گفتگویی

آن مجلس از این قرار است که در صبح آن روز که مجلس منعقد خواهد شد سکار اقدس تفکری که پیش از وقت

فرموده اند که امروز در چه باب حرف زده شود در صفحه بخط خودشان نوشته و یادداشت کرده اند

هر سبب است این صره میدهند و در مجلس با بنای دولت میرسانند همان مسنده را طرح گفتگو

قرار میدهند بعد از آنکه بر آن مسنده جمع آرا محقق شد و پیر الملک همان نوشته بصواب دید پاشا خان شینت

که از جانب سنی الجوانب بمایون محفل نظم آن مجلس مخصوص است بنظر انور بمایون میرسانند و بعد از مطالعه

نظر مبارک شاهنشاهی بر حسب حکم بمایون آن صفحه را در پیر الملک ضبط میکند و اجرای آن احکام هر کدام فوراً

متعلق به یک اردو در اعظام باشد اجرا میدارند هر کدام متعلق بوقت است بهمان حالت یکدیگر از

تأدق ضرورت سایر ولایات

آذربایجان از قرار یک در روزنامه وقتی تبسیر نوشته اند پسر دهه دو از ده ساله در خانه مشدی

تاریخ بردی نام سردار از جانی خاک بر میداشته است پولی بسکه قدیم پیدا میکند و بخمال آنکه پولک بخت

هر چند عدد از آنرا پکی میدهد از جمله سیزده عدد آنرا بشخص بقالی داده یکشاهی پول سیاه گرفته

بوده است پیرانشان مطلع شده میفرستد همه جمع میکند سی و چهار عددی شود پیش سردار کل فرستاده

ایشان هم دانند در بار بمایون نموده اند که بنظر اولیای دولت علیه برسد پولهای مزبوره طلا است

و هر عددی هست و دو نخود است از سکه قیصره روم است که یکزار و دو دویست سیصد سال متجاوز

قبل ازین سکه شده است از قرار می که معلوم میشود یکدیگر آن صورت حضرت مریم علیها السلام

و در روی دیگر صورت در نفر اشخاص مقدس سکه شده است و احتمال داده اند که صورت

۲۹۶۶

حوارین حضرت عیسی علی نبی وعلیه السلام بوده باشد و پولهای مزبور بعد از آنکه طوطی نظر انور اسیل  
 هایون شاهنشاهی کردید امر و مقرر شد نمودند شایسته که در خواندن خطوط غریبه مهارت تمام داشته  
 سکه و توابع آنها را مشخص کرده ترجمه نمایند سکه از آنها باین تفصیل مشخص کردند  
 یکی سکه امپراطور روم مانوس دی آنکس قدرت سلطنت او سه سال بود در هزار و هفتاد عیسوی که تخمیناً  
 چهار صد و هشتاد سال بعد از هجرت باشد در عهد پادشاهان سلجوقیه اسیر الب اسلان شد نقل است که  
 چون پادشاه روم مانوس از ستان را که در تصرف بود بعد از تمام شدن سلسله غزنویه خواست ثانیاً  
 تصرف کند اولاً غم قلع مالاس برد نمود و آن به محشر کرد در حین پیش رفتن بلگرالب اسلان بر خورده  
 الب اسلان ابواب صلح با او کشود و مانوس جواب داد اگر بمن کرده بید و ارمینستان تحلیه نموده  
 در تصرف من در آورید صلح خواهم نمود چون این شرط را قبول نکردند مناره در میانشان اتفاق افتاد  
 و از آنجا نیکه الب اسلان سر کرده جنگی خوبی بود فهمید که امپراطور لشکر خود را بسیار پر اکنده و متفرق  
 ساخته است بطلب لشکر او گشت داد و روم مانوس اسیر شد و او را دستگیر نموده بجهنم الب اسلان آورد  
 از او پرسید که قطره نوع سیاستی از من امپراطور جواب داد اگر ظالمی مرا میگیری اگر مغروری بجلو  
 است داد و اذمه میبری و اگر عاقلی خوشنایم گرفته مرض میکنی در ثانی الب اسلان پرسید اگر تو مرا  
 دستگیر نموده بودی چه میکردی جواب داد که ترا چوب میزدم و مرا میگردم سلطان تبسم نمود و گفت  
 موافق دین عیسوی اذیت نمودن بدشمن جایز نیست و من که مسلمانم پیروی تو نخواهم کرد ولی ترا  
 مرض میگویم بشه طاعت دو کرد و طلا مسکوک بدی و سالی دویست هزار دینار طلا مسکوک برسم  
 باج بدی و اسیرانی که برده مرض کنی بعد از قبول این شرط او را مرض ساخت امپراطور مراجعت  
 نمود چون نعت شاهی در ولایت بود بقدر دویست هزار دینار طلا مسکوک ارسال داشت و در همان  
 نعت شاهی روم مانوس کشته شد شرط صلح او را امضا شد الب اسلان خودش چند سال بعد از  
 وقوع این معتدله از یوسف خوارزمی بواسطه تیر مسموم مجروح گشته هلاک شد و در مردوخون است  
 و در لوح قشیرا نوشته شما مردم که فخر سلطان راه آسمان بلند کردید برودید و آنجا او را پنهان کن  
 (مشاهده کنید) (سکه دیگر الگ سیس کومنه است که سلسله او پنج پست در اسلامبول سلطنت کرده اند  
 در سال هزار و هشتاد و یک عیسوی در عهد ملک شاه و اصل این خاندان از در پیران پاست  
 که در این خانه ولی بودند و در عهد او بسیار جنگ با ترکان و سلجوقیه می بود

۲۹۶۷



دیگر سکه الکتیسیس که منتهی در او در تاریخ هزار و یکصد و هشتاد و سیوی در سلطنت صالح الدین  
عادل که اصل او در بود در محکمت مر بسیار با فخر حکمرانی کرده در جنگ جواز فریگی از برای  
گرفتن بیت المقدس همین شهر را از دست ایشان گرفت

### سایر ولایات

قسم چون شتر قم بسیار کم آب بود و بر سکنه و مالی آنجا بدینکشت و باید از آب چاه  
گذران نمایند سرکار اقدس هالیون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان در حین تشریف  
فرمانی مویک مسعود بعتم امر و مقرر فرمودند که جناب سوز خان حاکم و میرزا حسن بیگلر بیگم  
یکرشته قنات برای شتر قسم احداث جاری نمایند و مخارج آن از وجوهات مخصوصه  
سرکار اقدس هالیون مرحمت شود و باعث از زیاده حاکم کونی امپله آن بده طیب  
کرد از قرار می که نوشته اند قنات مزبور که بنام نامی هالیون معنی بقنات مانصری  
پاشا شد این اوقات جاری شده است و در اجرای قنات مزبور متحمل مخارج و زحمات  
بسیار شده اند از جمله قریب سه ماه بقاعده سبکتر اشی چاه قنات را کنده سنگر ابریده اند  
تا آنکه بحد آبد بطوری فرزان نموده جاری شده است که در آن ولایت بلکه در سایر  
ولایات قناتی بآن استعداد دیده نشده است و برای رساندن آب بجلات چند نفر  
معین نموده موجب دیوانی برقرار شده است که از بابت صرف آب مزبور دیسهای  
باصدی تمسیر شود و آسوده مشغول و حاکم کونی دوام دولت بقای ذات عدلت آیت هالیون  
اقدس بوده باشند

۲۹۶۸

خراسان چندی قبل بقدر نو و نفر دزد سواره و پیاده از ترکمانیه بسر راه مشهد مقدس  
آمده در نزدیکی اقدربند بنده پاره اموال عبد الباقی خان افغان ابرده بودند شاهزاده چشمه  
الدوله که با جمعیت به تنه تراکه طرث میرفتند از حسن اتفاقات بسیار حسین مزبور بر خورده اند  
همه آن بود نفر در یکجا جمع شد و سکر میازند و بادولیت سید نفر سواری که همراه  
شاهزاده معزی الیه بوده بسای جنگ و جدال میگذاردند تا آنکه جمیع آنها بسزای  
اعمال خود رسیده قیل و دستگیر میگردند پنجاه و هشت نفرشان که در جنگ کشته شده بودند  
رؤس آنها را بر کباب طفرانتاب هالیون ارسال داشته

بناکپای مبارک آورده اند

# روزانه و قیام اتفاقیه تاریخ یوم چشمتی هفتم شهر ربیع الثانی مطابق سال قمری ۱۳۱۳



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دار الحکله طهران

الحمد لله سال در فصل ایزه ای دار الحکله نهایت اعتدال سلامتی را دارد و به سبب جو ناخوشی و امراضی که در اغلب سنوات در آن فصل بروز میکرد در میان مردم نیست و عسوم مردم در کمال آسایش بدعا کوفی دوام دولت و از دیاد شوکت ذات پنهان اشغال دارند و اولیای دولت و دیوانیان عظام هم روزی حسب الامر قدردمهایون با کمال اهتمام بعوررسی امور دیوانی و انجام حوام مرجوعه مشغول هستند (چون عین الملک همیشه اوقات خاصه در این سفر نیست محترم در انجام فرمایشات علیه خدمات محوله لازمه صداقت و کاردانی را در پیشگاه حضورهایون ظاهر ساخته بود و خاطر مبارک را از طریق خدمتگزاری مشا رالیه نهایت رضامندی حاصل پیا شد لهذا یکتوب قبای زری نظامی از بوسسات خاصه مبارکه بایک قطعه نشان از مرتبه اول سرسپری و یکرشته حایل نخرج و سفید در حق معزنی لیسب رحمت کردید) (نظر بآ که حسین خان سرسپری به خدمتی که مامور گردیده است منتهای کفایت و صداقت را و بطور رسیده است در ایامت هم که مراقبت و نظم چاپار خانهای ممالک محروسه بعد از مشا رالیه محول است امر چاپارخانها در نهایت اشظام و انتساق بوده است لهذا سدا کارقدهس بجایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه او را بعلت بلند شهاب الملک سرافراز فروده قرین غرمتیازد اشهدا مورات قسطنطنی افواج قاسم و توپجیان متوقف در الحکله

۲۹۶۹

البهره هر روزه سوای ایام تعطیل در میدان مشق نظام و میدان توپخانه مشغول مشق میشوند و صاحبان آنها کمال مراقبت در تعلیم و تشویق آنها دارند و بنا به نیت شوق و اهتمام به مشق مشغول هستند (عصر این روز صاحب مضایق افواج در میدان مبارکه ارک مشغول مشق هستند) (موجب و جیره افواج را آنچه معمول است و لشکریان تشخیص میدهند در دیوانخانه نظام بدقت تمام به آحاد و اشخاص سربازان میرسانند کمال آسودگی است)

### سایر ولایات

آذربایجان از قرائی که در روزنامه قلمی تبیین نوشته اند بعد از نضت موکب های یون از دار السلطنه تبریز جماعت خانبه واسطه بعضی خیالات نازاکم کرده بودند پیکر یکی بدستور لعل عزیز خان سردار کل چند نفر شبیه نموده از آن تاریخ بعد مان در عهد کاکین مشردان و اطمینان بجهت فخر اشرف حاصل گردیده است (بکلیت رعیت کرم رودی بخانه بدزدی رفت و قدری مال هم از محله باغیثه سیرت برده بود مراتب دیوانخانه عرض شد همان در دراپید کرده و در دیوانخانه مالی که برده بود گرفت بجا جیش داده سارق اطمینان کامل نمودند) (دارختراری که در نوشته است بخانه مشرب اند سردار کل که از جانب سنی الجوانب همایون با مور بفرود خن جنس دیوانی بودند هر روزه مقداره چهل پنجاه خردار از جنس دیوان بیدان میفرستند بفرودش میرسانند علاوه بر آن چهارده پانزده باب دکان معین نموده اند که خود از جنس دیوان بآن دکان قسمت نموده هر روزه نان بنمایند و بفرودش میرسانند و دکان بجا دیگر نیز که هست آنها را هم قرار داده اند که تاک و صاحبان جنس هر روزه بفرود احوال خود جنس آن دکان را داده نان بچشمی شود و در خصوص هزار خردار جنس که از جانب سنی الجوانب همایون اعلی خلد الله ملک در حق فقرای تبریز انعام مرحمت شده بود سه باب دکان قرار داده اند که مخصوصا هر روزه مستداری از آن هزار خردار جنس بآنها داده می شود و نان بنمایند و از فقر تصدیق که خدایان محلات در حق فقرای مستحق نان بچشمه داده می شود و از اینگونه مراقبت و اهتمام سردار کل در تمام ولایتان کمال وفور بهرسانند و فقرار اطمینان کامل حاصل آمده موجب مزید دکانی دوام بقای ذات اقدس همایون شاهنشاهی گردیده است

۲۹۷۰

از اینجاست

استرآباد از قرائی که نوشته بودند شاهزاده ملک آرا حکمران استرآباد و ما زندان بعد از زود و با سربازان در حفظ و صراحت شهر و ساختن برج بار و در نظام ولایت و زود شب کمال اهتمام را دارند در بزرگان از نوکر بلوچ و حاجیل که قلعه یکی استرآباد چپاشند که از ده لیل و نهار مترصد محافظت شهر چپاشند در حقیقت کمال شظام و انضباط بهر سید است بنوعی که احدی از قطع الطرق و اشرا در استرآباد یافت نمیشود و سکرهای حوالی استرآباد را کلاً نوکر و سوار کرده در کمال آراستگی بپاشد و بتامی بلوکات حکم نموده اند

که پیل و کلک برداشته هر سگری که نزدیک هر جا بود ساخته و پرداخته بدست نوکر اسپهبدند و دیگر هر روز  
 نوکر استرآباد را از سواره و پیاده سان دیده موجب میدهند و اسبهای آنها را داغ کرده مأمور سرحدات  
 مینمایند و ترکانان او حسی و جنفلی نشین کل روسا در پیش سفیدان آنها خدمت ملک آرا سپید هر یک مورد  
 انکسار و خلعت شده مرخص شدند ( و دیگر طایفه قوجوق دوجی که از طایفه بیوت و نزدیک کوکلان  
 پیش خدمت ملک آرا آمدند اظهار عبودیت نموده قرار خدمتگذاری داده مرخص شدند ) ( و چون تو بنجانه  
 استرآباد احتیاج تعمیر داشت ملک آرا شوالیه عاده آهنگر و نجار و غیره حاضر کرده در کمال پاکیزگی ساختند  
 بعد از اتمام تو بهار را بیرون دروازه برده و خودش هزاره بیرون شد در سه تو بنجانه جمعیتی زیاد بود نشان کرد  
 تو بچیان نشان از دند تیری خطا کرده تو بچیان خوب از عهد تیر اندازی پهلوانند شاهزاده هر یک از  
 تو بچیان انعام داده نوازش نمودند ) ( و دیگر ترکانان آتابای کلارا احسن را نموده قرار دادند که در عرض  
 ده دوازده روز کلا اسرار را پاورند آنها هم مقبل شده طرم شدند که پاورند چند نفر که حاضر بود آورده  
 رد کردند و معده شدند که باقی دیگر را هم بر جا شد یادند .

بر وجه و از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند بعد از استقرار عند الدوله سلطان احمد میرزا حاکم آنجا بمقر حکومت  
 خود چند نفر از اشرار بختیاری که نشان دزدی را هنری بودند گرفته حبس کرده است از اینجه کمال اذیت و ولایت  
 حاصل گردیده و بعضی از علما آنجا که پیشتر خانهای خود را بست قرار داده بودند از اشرار ولایت هر کس  
 بزرگی میسر در آنجا رفته پس سپرد موافق حکم هایون که امر و مقرر فرموده اند علماء مسجد بلدایکوندا اشخاص را بخود  
 راه نمهند و بست خانهای خود را موقوف در نزد عند الدوله حاکم بر وجه نیز این حکم هایون است اینها را  
 در آنجا مجری داشته بکلی علما آنجا نیست خانه خود را که بسیار کارستجینی است موقوف کرده اند  
 قزوین از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند امور آن ولایت از فرط کفایت کار دانی شاهزاده عبدالقادر  
 میرزا حاکم و حاجی حسن پشایر قزوین نهایت اشطام را دارد و عسوم انالی ولایت در کمال آسایش و آرامش  
 مشغول کار خود و عاکونی دولت ابد مدت فایده میباشند ) ( بعد از منقبت موکب فیروز هایون از دست سلطنت  
 قزوین حاجی حسن پشایر محض از دیاد و عاکونی دولت جاوید آثار انالی و کدخدایان و اعیان ولایت و  
 مباشرین و ظیف را احصا نموده در باب مستریات و وظایف ارباب استحقاق قرار می منصب بگذاشتند  
 که بدون دیاری کسر نقصان مستریات مردم را عاید سازند و اجماعاً تا یک در سنوات ماضیه از بعضی  
 مباشرین نسبت به ارباب و ظیف وارد می آمده بکلی موقوف در خدمتی آنکه در حضور بعضی از ارباب و ظیف

کتابخانه

اطهار داشته اند که هرگاه معلوم شود دیناری از وظایف خود کتله کرده یا در موارد مواخذه خواهر سید بود این معنی  
 موجب مزید امید داری مگر گزاری و دعا کونی چسب مردم گردیده است ( امر گزیه و کشیکی آن ولایت نهایت  
 نظم را دارد و دزدی و بچک از محلات واقع می شود سابقا در یکی از محلات فرودین خانه را در زبده بود حاجی حسن خان  
 پیشکرم شخص استحکام امر گزیه و نسق ولایتی قدغن نموده بود که سی تومان غرامت اموال مسروفته اکه خدای آن محسنه بد  
 و از آن بعد پیچیده در دمی نا حسابی اتفاق نیفتاد ( چون جنب جنس فرودین از ولایات خارج می آید و امسال  
 بجهت قلت جنس در ولایت حول و حوش آنجا بکمر خنده حمل می گردین شد و چند روزی قیمت آن ترقی بهر سینه بود حاجی حسن خان  
 وزیر در این باب لازم مراقبت معمول داشته قرار داده است که تاک و صاحبان انبار هر روز به قدر وسع خود و کفاف  
 ولایت کندم بد کاکین جنب زمی چسند و از این بابت رفع تو هم خلق شده کمال آسودگی حاصل نموده اند  
**فارس** جمال مبارک لودنی بود که با طایفه خود هجرت شده در حوالی شیراز و زرد کرمان بزودن و بردن  
 اموال باره از قواخل و مترودین مشغول بودند و چون که خود مشارک در پیگیری توقفت نزار در حکام فارس نمی توانستند و او را در سیکر  
 نمایند این اوقات شاهزاده حسام السلطنه حکمران فارس دولت نواز سواره و شجاع داعی را ابو جیح امیر زاده جعفر  
 قلی میرزا نموده در امور ساختند که غلظه بر سر جمال و اتباع او رفتند آنها را در سیکر نمایند جعفر قلی میرزا نیز با نهایت  
 جلالت و رشادت شبی بر سر آنها ریحی جمع اتباع جمال را یا مقتول یا در سیکر نموده است خود جمال  
 بمشائی در کوهس متواری پناهنده بدیسی است که بعد از آنکه جمع اتباعش تلف شد نزار خود او کار می خست  
 نخواهد شد و عقرب سیکر و گرفتار خواهد کرد دید مراتب مزبور که بعضی خاکسای مبارک رسید از جانب  
 سنی الجوانب همایون در حق جعفر قلی میرزا خلعت مبارک شرف اعطایافت امر و مقرر کردید که حسام السلطنه  
 از اموال تجار که جمال بر دوشه آنچه را از اتباعش گرفته اند بصاحبانش و نمایند

۲۹۷۲

الف

ما زنده ران از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند متنی بوده است که باران نیامده بود بجهت آنکه تعالی  
 در دهم ماه پریم الثاني از صبح تا شام باران خوبی آمده تمام اهل آنجا کمال امید داری بهر سینه مشغول و حاکم  
 ذات اقدس همایون پناهنده ناپ الحکومه و میرزا یحیی پشکار در غیاب ملک را مشغول اشغال امورات ولایتی پناهنده  
 و از همه بهتر نهایت نظم را دارد و محصلین چیزی از جانب ناپ الحکومه و میرزا یحیی پشکار بجهت گرفتن در دانه  
 کردید ندر چاپرین نقر از دانه می مشور ما زنده ران را در سیکر کرده ببلده ساری برده مجوسس کرد و در قریب سی  
 صد و کاوش و پست رأس اسب و ادیان مردم را که همین ساری برده بودند استرداد نموده بصاحبانش

رد نموده

کتابخانه



آنها زیاد میکنند و بنواستند آنها را بطریق صلاح ثواب هدایت ارشاد میفرماید چنانکه در سیر اخبار سلف دیده  
 و خوانده و در عصر و زمان خود تجربه رسانده ایم که ترقیات امم سابقه بواسطه رواج و رونق عقل و تدبیر در میان  
 آنها صورت گرفته و تنزلات هر یک از آنها بزوال عقل و تقراض حکم و انقطاع رشته علوم از میان آنها بوده است  
 چنانکه یکی از عظم ترقیات عالم در زمان حضرت حتمی باب و عهد خلفا تراشیدین آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین واضح  
 چرا که ایشان منتهی عقل و حکمت بودند نزدیکان و بگه تمامی اهل زمان خود را بستای قواعده عقل ترغیب میفرمودند  
 و این کوهر شین را که مؤدی بصلاح دنیا و دینت کاطابکار میسرند و از مضمون خطاب مستطاب و شایسته هم فی الله  
 که ممدوح عتبه قدس خداوندی است فواید عظیمه حاصل میگردد و ندانم بود که قدرت ایشان در اقطار جهان منتشر شد  
 و بر اقدار پادشاهان بزرگ و سلاطین قدیم و نیا برتری گرفت و شد آنچه شد که در نزد هر شخص با خبری مستثنی  
 از شرح و بیان است و سگی نیست که تا این قاعده برقرار بود قدرت اسلام و اسلامیان در عرض طول جهان  
 داشت و هیچکس رؤسای قتل گرفتار غرور و غفلت نشد و باستظهار ثروت و کثرت پیشینیان برای آنها آماج  
 بود و نظارتی با لوف خود مخوف مشغول کارانی گشتند بساط اقدار آنها بر چیده شد آثار علم و دانش بطور حوادث  
 بزرگ و زوال آبادی امنیت از میان خلق محو گردید پس چنین پوست که اطراف ملک آباد به نجبانی جنود عقل  
 حرامت نمود و بر بند دو عدت این لشکر قوی افزود چنانکه بالفعل مشاهده میکنیم که امروز هر یک از اهل دنیا که مشایخ  
 عقل را در واجی و او را ندانند و این سزای نفیس را پیشتر بکار داشته بجهت سعادت آبادی مملکت رفاه رعیت و رونق  
 مال و زیادی قوت و کثرت صنایع سمت تفوق بر دیگران دارند مالک محروسه دولت علیه ایران که از اعدل  
 جهان است و استعداد ترقی و آبادی طبیعی را نسبت با غلبه اماکن دنیا پیشتر در اولی و ایلیق خواهد بود که با  
 درجه ترقیات خود برسد اگر حال این مملکت با استعداد از مراتب عالی آبادی اشطام بازمانده و مقتصد بلند خود  
 نرسیده باشد چه آنکه ملاحظه میکنیم هیچ عتیق نشده است بجز اینکه امانی ایران عقل و آراء مفترده و مجتمع نگردیده و  
 این عالی گرانبسا را بسک اشطام کشیده اند و شیاج بزرگ را که از اتفاق عقل میستوان داشت بدست نیارند  
 ولی اکنون که آفتاب قبال علم حضرت اقدس همایون با صنایع شایسته این دولت با آیت استجای دروغ بود  
 که با زلت ایران در غفلت و نسیان سابق خود باقی بمانند و با بک سزای خود در رجوع نمایند لهذا حکم جهان منقطع  
 همایون از مصدر حکمت نا شاهای شرفصد و ریافت اولیا و وزرای عظام آیند دولت علیه در مسایل عظیمه و امور کلان  
 طریق مشوره اسلوک دارند و هفتاد و روز علی سپیل الاسترا مجلسی منقد ساخته در حل و عقد امور و صلاح  
 احوال جمهور استشاره نمایند و متفق علیه آرای خود را بعضی حضور اقدس همایون ببارسانند تا اگر رای جهان آرا  
 همایون بر امضای آن تلقین پذیرفت بجز انفاذ مقرون آید بجهت تعالی ثلوق کامل حاصل است که از این طرز

میمون در رسم مصلحت مقرون اثرات نیک عاید و زکار فرخنده آثار دین دولت شود و فواید آن الی الابد بر و را عوام  
 و دهور و مضی تسنین و شور باقی و برتر بماند ولی از آنجا که بخت بلند خسر وانی بنا سیدات حضرت سبحانی پوستان  
 بر این مصروفست که دولت علیه خود را از هر نوع تدابیر مستقیمه بهره رسا زیم نخواهیم که عقول و افکار جمعی از چاکران  
 حضرت اینتر که سالها طریق خدمت پیچیده و تجربت آموخته اند و اگر امر و ز خدمتی بعبده آنها مقرر است چنان است  
 که اوقات آنها بتماما مستغرق آن خدمت باشد در حالت تعطیل گذاریم لهذا معتبر فرمودیم که مجلسی دیگر از این  
 همه روزه علی الاستمرار منع شود که روزی شش ساعت در آنجا نشسته در اموریکه متضمن صلاح دولت از دیا  
 آبادی محکمت باشد و در کوشکو نمایند همچنین اذن عمومی دادیم که هر یک اینچاکران حضرت و عظامی محکمت و صاحبان  
 افکار صاحبان آنچه برای منافع محکمت و صلاح امور خلق تدبیر نموده باشند در آن مجلس حاضر شده در حضور رئیس مجلس تقریر  
 و بیان نمایند الی مجلس در صحت و سقم آن امعان نظر کرده هر کدام را که از عیوب و نقایص مبرا و بحلیه صواب نمین  
 و محلی دهند در دوره جدا گانه مندرج سازند که ابتدا بتوسط حاجی مقرب الخاقان آقا اسمعیل مشخدمت باشی سلام  
 بعرض رای جهان آرا برسد بمجلس خاص مشورتی در آنجا شروع شد بعد از نهضای مجلس مزبور حکم با اجرای آن صادر گردید  
 و در مسائل مختلفه فیما حکم طرف غالب معتبر خواهد بود و اگر اذله رد و قبول در یک مسئله چه مساوات داشته باشد  
 بعد از رجوع بمجلس خاص دلیل هر کدام از طرفین که آرای و زرا تقویت نماید حکم طرف غالب خواهد داشت از تکالیف این  
 مجلس نخواهد بود که در امور پو لبطیکه کفکو نمایند مگر وقتی از جانب سنی الجوانب یا یون اذن بخصوص داده شد بلکه تکلیف  
 مجلس مزبور نیست که در امور محکمتی از قبیل ترویج تجارت و کثیر زراعت و وضع قوانین محدود و رفع عادات مذموم و  
 عیوم و احشایع و اجرای قنات انبار و غرس غابات و اشجار و راه انداختن معادن و ساختن راهها و غیر  
 داخل و تفصیل مخارج و اشاعه دلائل عدل و انصاف و رفع بواعث ظلم و اجحاف از یاد نفوس خلاقی و حفظ مصلحت آنها  
 و امثال ذلک محاوره نمایند هر یک از مسائل متعلقه یکی از این مطالب را که در مجلس طرح می نمایند اگر چه چندان بزرگ و عمده  
 نباشد ولی تا دم که آن سنده را با شانز سانبند اند و حکم بر دیا قبول آن علی سلسل الحکم نشده است تا ذون نخواهند بود که عوام  
 مسئله دیگر نمایند از امالی محکمت که فکر متین تدبیر شایسته نموده باشد که در مجلس مشورت عاید دولتی محل تحسین نماید  
 منتفع برای دولت باشد الثانی مناسب از جانب دولت عاید در حق او مبذول خواهد شد و همچنین تکلیف الی مجلس است  
 آنچه را که خود قابل دانند از جمله وظایف مقرر خود شمارند بی آنکه از جانب اقدس جایون شرط حکم و اجازه مخصوص  
 باشند مطمح نموده در سر آن کفکو نمایند البواعدیکه مقرر است بنجام رسانند و آنچه را که مخصوصا از جانب سنی الجوانب  
 اعلی مجلس مزبور است می شود بقانونی که مقرر است در تحقیقات لازم آن نیر گفتگو و حاصل صواب بدیاری را بنحو مقرر معدوم  
 انور خواهد داشت و نظم و ترتیبی که از قرار دستور العمل علیحده برای این مجلس معین گردید بتمامه بمواظبت رئیس مصلحتخانه مجری

۲۹۷۵





روزانه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم چشمنیست و هشتم شهریور سال شانی مطابق سال قمری ۱۳۲۶

منطقه دار الخلافه طهران

نمره چهارصد و پنجاه و دو

قیمت روزنامه

قیمت روزنامه

هر مطرود و پست

هر مطرود و پست



اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

اگر چه بخدمت تعالی از هر چه در توانی دست و پا می‌کنی و در خدمت حاصل می‌باشد ولی چون این فصل پاییز باران رحمت الهی که ابر را  
نداشتند زیاده مطلوب موجب اطمینان قلب ارضین و دافین است نیامده بود و صاحبان راعیت خالی از اندوه و غم  
بودند در این اوقات شبانه روز از ابر رحمت الهی برای نافع و معطر آمده جمیع رعایا و برایا کمال تمسک و پند  
نهایت سکر که ابر حاصل فرمودند (چون شاهزاده فرزند میرزا نایب الا ایام سفر از نظر جان نشانی  
و حسن خدمتگذاری خود خاطر مد مظاہر همایون اقدس شاهنشاهی را راضی فرمودند میدارند در این روزها محض ظهور  
مرام همگان موازی کیثوب کلچه ترنه بطایه شنبلیله از طوس خاصه مبارکه بکلیقه نشان میر خلی و کیرشته حامل مخصوص آن  
از سفر فرمان هر ملعان مبارک در حق معزای الهی مرحمت فرمودند) (نظر بحسن خدمتگذاری و صداقت محمود خان  
اعتساب آقاسی که در پیشگاه حضور مدظهور همایون جلوه گر آمد بوجوب فرمان هر ملعان مبارک بقبب اعتبار الملکی  
و خطاب مقرب الخاقانی سفر از آمد و کیثوب جبه ترنه کرمانی در حق او خلعت مرحمت کردید) (نظر بباکند  
میرزا علی اکبر اجدانیشی سفر از آمد مراتب کاردانی استقام خود را در خدمات مرحومه بخود ظاهر ساخته بوجوب فرمان  
هر ملعان همایون اعلی بخلاب خانی سرافراز آمده یکطایه شالی ترنه کرمانی در حق شاه ایبه خلعت مرحمت فرمودند  
چون در این روزها معروض خاکپسای همایون حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه گردید که در ولایت  
تبریز بواسطه احتکار و باب غلظت مان کیاب شده است بر فقرای آن ولایت باین واسطه بد میکند و لهذا محض رفاه  
انالی آن ولایت مزید دعا کوئی دوام دولت جاوید آیت قبر علیجان سعد الملک را محض صفا نمود و روانه فرمودند

۲۹۷۷

که رفت آنچه غله در اینبار صاحبان اطلاق و مبدعان احکام را پیاپی پدید آورده بفرود شدند و قیمت از لایحه  
برسانند و حکمای این امر را مجری داشته اند مسیح نماند و علاوه بر آن امر و معتمد فرمودند که از ولایات خراسان  
نیز که نرخ غله ارزان تر از تبریز است هر قدر که میسر شود غله حمل و نقل به تبریز نمایند و ده هزار خرد و نیز از حسن  
دیوانی در شهر تبریز بفرودش رسانند که ان شاء الله تعالی آسایش و اطمینانی بجهت انالی آن ولایت حاصل آید و  
مرحبان فرید و عاکونی دوام عمر و دولت سرکار اقدس شاهان شاهان باشد

### سایر ولایات

حکمته از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند امور آن ولایت از حسن به تمام و کفایت پیرا غلی خان سراج الملک  
حاکم خراسان است نظام را دارد هر روز سراج الملک از صبح تا شام در انجام تمام دیوانی و رسیدگی امور  
ولایتی نازم مراقبت و اهتمام بعمل می آورد و عموماً رعیت از نظر سرپرستی شاهان کمال رضامندی را دارد و  
مشغول عاکونی دوام بهتای آنست پیمان سرکار حضرت شاهان (در این روزها در زنجان  
یعنی پول طلب بخرج میرفت و کسی بر عاقل این عمل اطلاع نداشته تا آنکه سراج الملک در صد پید نمودن مقرب را  
معلوم شد بود که شخصی بوده است که تا به آنسفر عراق عرب معاودت کرده بوده است و اگر که شپه و اخراج  
بدینیناید) در این روزها خبر رسید که سیم تغراف در میان امر اباده عمید الملک مجدالدوله و پورسقا در چهار  
پنج جا پاره شده است سراج الملک به نفر سوار محض نموده که رفت رسیدگی نمایند که باعث پاره شدن سیم تغراف  
که بوده و حقیقت را اظهار دارند تا محکوم شود) چون چارخانه زنجان قدری خرابی بهم رسانده بود سراج الملک  
شماره داده است که آنجا تعمیر نمایند و خود نیز سرکشی نموده لازم مراقبت در تعمیر چارخانه آنجا بعمل آورده می آید  
امهدان از قراریکه در روزنامه آن ولایت نوشته بودند معتمد الملک حاکم آنجا در این روزها قدغن نموده اند که آنچه  
در دوازه کوچه بت در شهرت بهر تعمیر نمایند و اهل محله بساعتی در دوازه مشغول میباشند) (فوج فرادای  
که نامور کرمانشان بودند در روز پست و یکم اینماه از همدان حرکت روانه محل اموریت خود شدند) (و نیز  
نوشته بودند که در این روزها باران یاری آمد عسوم زارعین و دقایق انالی ولایت نهایت خوشوقتی را  
بهرسانه مزید شکرگزاری و دعا کونی حاصل نمودند

۲۹۷۸

### اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند تعداد نفوس که در دولتهای فرنگستان معمول و متداول است و بمرکز  
اصول عادت شده است این اوقات دولت اسپانیا نفوس موجوده ممالک خودش را تعداد کرده اند و کورانا نام  
سخت دیک کرد و چهارده هزار و سیصد و نود نفر شده اند) (و نیز نوشته اند که در انجلس دو قطعه عتراده راه

آهنی که یکی از آنها عمل کارگران استادن انگلیس بوده و یکی از کارهای مالی امریکا بجهت امتحان سرعت سیر آنها در راه  
 آهنی آنها را جفت کرده و بر او انداخته اند آنچه از عمل مالی امریکا بوده است در یک ساعت مسافت چهل ساعت را  
 طی نموده و آنچه از عمل مالی انگلیس بوده است در یک ساعت مسافت سی دو ساعت آمده است و خانواده  
 کار مالی امریکا تقدم یافته چون این نوع سیر و سرعت آنها را احتمال خطر بوده است در همین جهت کردن در راه  
 انداختن آنها کسی جرأت نوشتن در آنها کرده است ( و نیز نوشته اند بعد از مقدمه معلومه چنین اطمینان جموری  
 امریکا که در شرف نظرون مقیم بوده است آرزوی رفتن به پکن پای تخت چین و ملاقات عنحضرت خاقان چین را  
 نموده است با تحریرات مخصوصه باشنا صیقل لازم بوده است خواهرش خودش نوشته و اظهار مطلب اینها  
 اذن رخصت از برای غیبت آن سفیر حاصل میشود تئیه خود را دیده باشنا صی که با اتفاق چپا است باشند سوار گشتی  
 واپور گشته عازم میشوند بعد از قدری طی مسافت غفله و دقیقه گشتی اینها را در وسط دریا نگاه میدارند و چینیها دو  
 آنها را میگیرند در آن پر صندوق بزرگی مانند اطاق می آورند و همه آنها را در توی آن صندوق گذارده درش را بسته برداشته  
 میبرند و بدون آنکه جائیر ملاحظه و مشاهده نمایند آنها را داخل شهر کئی میکنند در آنجا نیز آنها را خانه مثل صندوق میکنند  
 که جانی را نپسند و بجای ترود نمایند واحدی پیش آنها ترودند بسته باشند پس از چند روز آنها را با خاقان ملاقات  
 میدهند بعد از ملاقات با خاقان آنها را بهمان حالتی که آورده بودند بر میگردانند ( ایالت میور که در  
 هندوستان واقع است حاکم آنجا از طایفه مجوس است و شش سال است که در آنجا حکومت مینماید این اوقات  
 قرار داده است که تا مدت دو ماه سوای ایتساعی که در دایره حکومت همیشه هر روز پنج هزار نفر را اتفاق و  
 اطعام مینمایند) ( در روزهای فرنگستان نوشته اند شخصی سیور نام از مالی و متوخصین پاریس که از صجای  
 دولت ثروت بوده است هر ساله معادل کسید و چهل هزار تومان منافع و داخل کلی این اوقات وفات یافته  
 و با دارش هم بوده است وصیت نامه بجز خودش که در ایام حیات خود نوشته بوده است بیرون می آید و در آن  
 وصیت نامه نوشته بوده است که نصف منحل و منافع امورش را وقف فقرا می پاریس و نصف دیگر را وقف فقرا می لندن  
 نموده است چون این شخص در ایام حیات خود مشهور پاره اعمال ناشایست بوده است بعد از بروز این کیفیت حسب  
 تحسین و آفرین تکی شده است) ( و نیز نوشته اند که چون در روز اسم گذاری اولاد اکابر اعیان فرنگستان جشن و  
 سرور میگیرند و همه ساله در آن در عیش و عشرت مینمایند در مالک و سیه قانون این بوده است که اگر وفات شخصی در  
 اسم گذاری یکی از خانواده امپراطوری اتفاق می افتاد است بجهت آنکه بان خانواده که در دست مقرر و طلال را در دنیا  
 تجیز و تکفین آن میت اوران و زاجرانید شده اند در روز دیگر قرارش امید داده اند این اوقات بعد از  
 و چهار نفر از خانواده امپراطور در سیه ایام جشن اسم گذاری نوشته اند و چپا است که در این سی چهار روز

هر که میبرد بماند و در فن نگیند و بسبب فن نشدن میت در آن روز با پاره مخدورات از قیاسی تعین و غیره اتفاق می افتاد از جانب حضرت امیر طوری بیاطل کشتن و منوخ شدن این قهره حکم شده است و از این کیفیت مجموع مالی غیر سصد خوشوقت شده ( و بجز آنکه در روزنامه های لندن نوشته شده است ) هشت سال است که سیم تعراف در آن ولایت ایجاد و احداث شده است در سال اول از جانب مالی چندان مخا بره و مکاتبه تعراف نمیشد در آن سال بقدره هزار مخا بره مکاتبه با تعراف شده بود چون در جهت تعراف روز بروز هر کس معلوم کردید در سال دوم عدد مکاتبات بچیل و شش هزار رسید در سال سیم بصد و پنجاه هزار و در سال چهارم دویست و پنجاه هزار و در سال پنجم دویست و شصت هزار و در سال ششم سیصد و شصت هزار و در سال هفتم چهارصد و سیصد هزار مکاتبه رسید و در سال هشتم هنوز معلوم نیست کمی از این مخا برات مکاتبات متعلق با مورپرولیک دولتی بوده است و بعضی از بابت احوال پرسی اهل و عیال که متداول بین الناس مسافری است و کلیه آنها دایر متعلق در امور تجاری بوده است ( در روزنامه های انگلیس نوشته اند هر کسی که موجود و مختصر صفت کاری شود آن بعلل و عیال با سیم شخص اشتها یافته و از جمله قوانین است که اقیانوس و مفاخرت آن صنعت مثل سروکات و مخلفات در میان طایفه و سلسله و درات شخص موجود باید بماند و عتبا یک در بعلل میگذارد و مقبرین ساعتی که در انگلیس ساخته شده پر پول و در فرانسه یک است در ایام حیات این در نفر ساعت که میباشند تا در وقت مرگ است می افتاد تا این اوقات پنجاه سال است که اینها وفات کرده اند اکثر ساعت سازان که در فرانسه است هستند ساعتی که میسازند بقیه اعلی با سیم پر پول آن ساعت اندر و شش میسازند اگر این اسم پر پولی است نباشد آنرا بقیه میسازند و پانزده کمتر باید فروخته باشند نواده بجا ساعت پر پول الان حیات اردو بعلل ساعت سازی مشغول است اسمش پر پول او دار باشد این شخص که نواده پر پول اولی است جز از عمل خود مشرک کار دیگر آنرا با سیم کار بجهت خودش قبول نمیکند هر کسی که با سیم او ساعت خودش را بفروشد میداد با او بمقام منازعه و محاربه برمی آید این اوقات با یکی از ساعت سازان که ساعت تمام کرده و با سیم پر پول فروخته شده است بمقام دعا بر می آید و بجا که میسازند بدعا می آیند که در حکومت رسیدگی مینمایند موافق قانون ملتی حق بطرف مدعی که نواده پر پول موجود این جور ساعت است میشود حکم مینمایند هر چه از این جور ساعت در نزد این ساعت سازانی موجود بوده است همه را ضبط کرده و بنوا ده پر پول میدهند باز حکم مینمایند اگر در پیش سایر ساعت سازان هم از این جور ساعت که با سیم پر پول ساخته کاری نموده باشند این شخص ضبط نماید

روزانه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم شهریور ماه اولی مطابق سنه قمری سیل ۱۲۲۰



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الحکومه طهران

در روز شنبه سرکار اقدس حضرت شاهنشاهی غده امده که دستخط از تشریف فرمای قورخانه مبارک که شد از آنجا بجهت مبارک که تفریح فرمودند و بجاصل عمل جبهه خانه مبارک توجه و رسیدگی فرمودند و نظر مبارک خیلی پسندیدند اما از میرزا حسن میباشند که مبارک از جاصل عمل جبهه خانه قداره و شمشیر آینه و قندچاقو پیکش نمود چون بسیار خوب ساخته شده بود موقع قبول بایده مورد توجه چون امیرزاده محسن میرزا امیر آخور سوار از روی کمال خدمت ارادت خدمت نموده سفر احضار مراتب خدمت مکرار می نمودند مغزی لبه مشهور رای مردم نیامی اقدس بسیار بیون شاهنشاهی گردیده است در این اوقات مغزی الیه را بیماری وی بود بود محض طنور مرحوم موکانه در حق مغزی الیه موازی یکثوب خرقة بطانه فرزند استیغای کلی که از لبه نهاده مبارک است مغزی لبه مرحمت و عنایت فرمودند ( و چون میرزا جعفر خان مشیرالدوله در رئیس مجلس شورای همیشه با وجود ضعف مزاج در راه خدمت دولت قومی شوکت متحمل رحمت است و خدمات او در حضرت کردن بصلت حضرت اقدس شاهنشاهی صان آنند ایام شوکت عن لبشاهی منظور و مقبول است محض از راه نهایت مرحمت و عنایت موکانه یکثوب خرقة در نه بطانه سنجاب ممتاز از جاه خانه محض در حق مشار الیه مرحمت فرمودند و با عطا می گیر اسب بسیار خوب بر بدراج اعتبار و افتخار شرف و دند) ( و نظر بانکه میرزا عنایت قد امین لشکر همواره در انجام خدمات موجوده بخود لازم است قلمی و صداقت اهتمام بطنور رسیده و مراتب کار دانی و کفایت خود را در پیشگاه حضور هر طنور بسیار بیون اقدس نظر ساخته فاصده در رسمیت اثر سلطانیه که در انجام مام لشکر و اشغال و شیخ محاسبان رسیدگی اود و سند بویا